

روابط و مناسبات بین فردی

در اجتماع از دیدگاه قرآن

اشرف ابروهردی

www.ketab.ir

بروجردی، اشرف: ۱۳۳۶. روابط و مناسبات بین فردی در اجتماع از دیدگاه قرآن، تهران
کویرا، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-964-214-040-4

۱۲۸ ص.

قیما، نمایه، کتابنامه.

قرآن -- اخلاق. قرآن، برگزیده‌ها -- ترجمه‌ها. اخلاق اجتماعی -- جنبه‌های قرآنی. قرآن و
اجتماع. احادیث اخلاقی.

۲۹۷/۱۵۹

۹ ر ۴ ب ۱۰۳۳ BP

۲۱۴۸۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی:

www.ketabonline.ir



روابط و مناسبات بین فردی در اجتماع از دیدگاه قرآن

□ اشرف بروجرودی

● طراح جلد: سعید زاشکانی ● حروفنگار و صفحه‌آرا: انتشارات کویر، نسرین قدرتی

● اینترنت‌گرافی و چاپ: غزال ● صحافی: کیمیا ● شمارگان: ۱۱۰۰ ● چاپ اول: ۱۳۹۰

شانی: تهران کریم‌خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

● کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ ● تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ فاکس: ۸۸۸۳۲۲۱۷ ● قیمت: ۳۰۰۰ تومان

● شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۰۴۰-۴ ISBN: 978-964-214-040-4

ح کليه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۹
فصل اول. مبانی باورها در مناسبات بین فردی در قرآن	
خداباوری و توحیدمحوری	۲۱
انسان‌گرایی	۲۵
اصالت دانی و در رفتار آدمی	۲۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۳۰
فصل دوم. اصول و قواعد ارتباطات کلامی بین فردی در مناسبات اجتماعی از دیدگاه قرآن	۳۱
الف. وجوه ایجابی	
۱. تأکید بر تحیت به‌عنوان نخستین گام برقراری ارتباط مناسب	۳۳
۲. تأکید بر بیان سخن نیکو که نشان از ایمان دارد	۴۰
۳. تأکید بر تبلیغ صحیح و مجادله مناسب	۴۴
۴. تأکید بر رعایت عدالت در بیان	۵۰
۵. تأکید بر روش عباد الرحمن در گفتن سخن نیکو و صبر در برخورد با جاهلان	۵۳
۶. تأکید بر راستگویی، زمینه‌ساز اعتماد عمومی	۵۶
ب. وجوه سلبی	
۱. پرهیز از غلو در دین	۵۸
۲. پرهیز از گواه گرفتن خداوند در اثبات ادعای خود	۶۰
۳. پرهیز از دشنام‌دادن، برای پرهیز از دشنام‌شنیدن	۶۱
۴. پرهیز از نجوا کردن در جمع	۶۵

۵. پرهیز از رفتارهایی که کرامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازد ۶۸

۶. پرهیز از سؤالی که دانستن آن زیان‌آور است ۷۳

۷. پرهیز از شکستن حریم پیامبر (ص) ۷۶

ج. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۷۹

فصل سوم. اصول و قواعد ارتباطات عملی بین فردی در مناسبات اجتماعی از دیدگاه

قرآن ۸۱

الف. وجوه ایجابی

۱. تأکید بر آراستگی ظاهری ۸۱

۲. تأکید بر استواری در پیمان ۸۷

۳. تأکید بر اداي امانت و پرهیز از خیانت ۹۱

۴. تأکید بر برقراری صلح میان مؤمنین ۹۵

۵. تأکید بر ائتفاق کردن و قرض دادن ۹۷

۶. تأکید بر رفتار پسندیده در مقابل رفتار ناپسند ۱۰۳

۷. تأکید بر هموار کردن راه برای موفقیت دیگران ۱۰۶

۸. تأکید بر میانه‌روی در راه رفتن، آرامش در سخن گفتن ۱۰۹

ب. وجوه سلبی

۱. پرهیز از ریا و نفاق ۱۱۱

۲. پرهیز از عمل به ظن و گمان ۱۱۴

۳. پرهیز از اسراف و بخل ۱۱۷

۴. پرهیز از خوار کردن دیگران و فخر فروشی ۱۲۲

ج. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۲۴

فهرست منابع ۱۲۵

نمایه ۱۲۷

پیشگفتار

پاسخی که همواره در مقابل سؤال هدف از خلقت بشر و ارسال رُسل از منابع دینی دریافت شده، در جمله تکامل بشر و متخلق شدن به اخلاق الهی خلاصه شده است و این که بشر، نمایه و عظمت آفرینش است، چه در ساختار فیزیکی و چه در تحولات روحی و مقام و منزلتی که می تواند در کائنات به دست آورد. شاید این حدیث قدسی که می فرماید:

«كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَأَخْبَيْتُ أَنْ أُعْرَفُ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكُنِّي أَعْرَفُ»^۱

نشان از عظمت این مخلوق داشته باشد، و تکامل این موجود از طریق عبادت است^۲ و حتی هدف از ارسال رُسل، تعالی و تزکیه این موجود است.^۳ چگونه

۱. من گنج پنهانی بودم که دوست داشتم شناخته شوم؛ پس انسان را آفریدم تا شناخته شوم (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۹۹).

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادَتِي» و من جن و انس را نیافریدیم مگر آن که مرا به یکتایی بپرستند (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

۳. «هُوَ الَّذِي يُعَثِّرُ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَمَي ضَلَالٍ مُبِينٍ» خداوند پیامبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنها را پاک سازد و شریعت کتاب آسمانی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این همه، در ورطه جهالت و گمراهی بودند. (سوره جمعه، آیه ۲)

است که با علم به جایگاه بالای این مخلوق و بالاتر از آن با آگاهی از هدف آفرینش - که تربیت انسان‌هایی وارسته، نیک‌رفتار، نیک‌گفتار و مهذب است - باز هم جامعه، از فقدان رفتار مناسب در رنج است و جوامع بشری، همواره از نهادینه نشدن اخلاق در میان انسان‌ها گلایه‌ها دارند. به راستی مشکل کجاست؟ عدم انتقال پیام وحی؛ آموزش نادرست و ناکارآمد به جامعه بشری؛ ضعف تلاش انسان‌ها برای دریافت این پیام‌ها؛ پرجاذبه‌بودن داده‌های حریف و رقیب؛ ملموس‌بودن داده‌های رقیب و دشواری دستیابی به آموزه‌های دوست؛ ضعف شناخت و آگاهی از خود، نیازها و خواسته‌ها؛ نداشتن تئوری اخلاق در بیان معارف دینی و یا سیاسی کردن اخلاق؟ پاسخ این پرسش‌ها هرچه باشد، موضوع این بحث نیست؛ آنچه مهم است فقدان اخلاق در جوامع بشری و ضرورت اقدام برای متخلق‌ساختن انسان‌ها به اخلاق الهی و نهادینه‌شدن آن در رفتار انسان‌هاست. همه می‌کوشند تا گامی در این جهت بردارند - باشد که سهمی در اصلاح رفتار جامعه داشته باشند.

شناخت و فهم صحیح از چگونگی ارتباط مؤثر با افراد جامعه و نقش و اثرگذاری و اثربخشی رفتار انسانی می‌تواند به پیشبرد اهداف انبیاء کمک کند. به تعبیر ارسطو، هدف نهایی از ارتباط، ترغیب است.^۱ برای ایجاد ارتباط مناسب و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی، داشتن فهم مشترک از واژگان زبانی و مفاهیم و معانی و مصطلحات فرهنگی، ضروری است. ارتباط، نخست با هدف «انتقال اطلاعات» و سپس با هدف «اتفاق» برقرار می‌شود. در نگرش‌ها و روش‌های ارتباطی جدید، ارتباط از یک‌سو به منزله «بیان شخصی»، «تأثیرگذاری متقابل و همبستگی اجتماعی» و از سوی دیگر به منزله ابزار اصلی دگرگونی اجتماعی و سیاسی مورد بررسی و مطالعه واقع شده‌است.^۲ چون انبیا با هدف اصلاح جامعه و

۱. ارتباط‌شناسی، ص ۳۷۵.

۲. همان، ص ۳۲.

فراگیری اخلاق مبعوث شده‌اند، شناخت و گسترش پیام آن‌ها می‌تواند به بهبود روابط بین فردی و مناسبات اجتماعی کمک کند؛ چراکه ارتباطات، حاصل و نتیجه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و کرداری است که برای انتقال معنی یا مفهوم و یا اثرگذاری و نفوذ بر دیگران به‌کار گرفته می‌شود که در نخستین مرحله، ارتباط از خویشتن آغاز می‌شود که فرد باید قادر به شناخت خود باشد؛ سپس شناخت دیگران و نیز شناخت محیط، به‌ویژه، شناخت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها. و صدالبته، شناخت شرایط زمان و مکان در چگونگی انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط، بسیار مؤثر است. معاشرت با دیگران برای ارزیابی خود ضروری است. برپایه این دیدگاه وقتی ملاک‌های عینی دیگری وجود ندارد انسان‌ها از فرآیند مقایسه اجتماعی برای مقایسه خود با دیگران استفاده می‌کنند، و یا بدون حضور دیگران در ارزیابی خود و در شکل‌دادن خودپنداره‌های همسان دچار مشکل خواهند شد؛^۱ چنانچه پشتوانه این آموزه‌ها و مفاهیم، مبانی دینی، معتقدات فکری و باورهای عمیق به خدای جهان و شریعت او باشد، شفاف‌نمودن پیام انبیا در جهت پاسخگویی به نیازهای منطقی و عمیق و بلندمدت انسان‌ها، موجب پایداری اصول رفتاری آن‌ها می‌شود، و دین را از محدوده ذهنی و رفتار شخصی افراد به باور عمومی در جامعه تبدیل خواهد کرد و فرهنگ تعالی و بالندگی را در جهت دسترسی به حیات معقول و «طیب» فراهم خواهد آورد. در این فرایند، نگاه به دین، به‌جای آن‌که نگاهی به دستورات مجزا و فردی باشد، به‌عنوان یک مجموعه نظام‌مند نگریسته خواهد شد که دارای ساختاری هماهنگ از معانی نظری و عملی می‌باشد.

در این میان، قرآن به‌عنوان کتاب راهنمای زندگی بشر، دربردارنده دستورات و اجزای زندگی فردی و اجتماعی، می‌تواند به‌عنوان اصیل‌ترین و مهم‌ترین منبع قابل

دسترس برای هدایت انسان‌ها در دو بُعد زندگی مادی و معنوی اثربخش باشد. این کتاب الهی، مطمئن‌ترین منبع ارتباطی بین خالق و مخلوق است و به تعبیر خودش هدایتگر روح و جان آدمی است^۱ و نسخه شفابخش کژی‌ها، بیماری‌ها و نگرانی‌ها است.^۲ بهره‌گیری مناسب از این منبع غنی الهی به فراخور امکان و درک و دریافت قرآن‌پژوهان در طول قرون گذشته بوده است تا از زلال این منبع فیض، راه بهتر زیستن را ترسیم نمایند، و این تلاش همچنان ادامه دارد؛ چراکه نیازهای انسان متعدد و متنوع است و قرآن، هفت بطن یا هفتاد بطن دارد،^۳ که کاوش و ژرفنگری در آن می‌تواند همواره دریچه‌های تازه‌ای از شناخت همراه ایمان را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این پژوهش، کوششی است در شناخت و بازآموزی شیوه‌ها و روش‌های زندگی اجتماعی برای بهتر زیستن؛ تا سهم اندکی از این دریای معرفت را نصیب کند. امید که حضرت حق این تلاش را بپذیرد و در این راه، ثابت‌قدم بمانم.

اشرف بروجردی

۱. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ»: همانا این قرآن، خلق را به راست‌ترین و استوارترین راه هدایت می‌کند (سوره اسراء آیه ۹).

۲. «وَ تَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُو شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»: و ما آنچه را از قرآن فرستیم شفا‌ی دل و رحمت‌الهی برای اهل ایمان است (سوره اسراء، آیه ۸۲).

۳. اصول کافی، ج ۴، ح ۳۴۶۰.

مقدمه

موضوع بررسی روابط و مناسبات بین فردی در اجتماع از دیدگاه قرآن برپایه این باور است که بنیاد ارتباطات مناسب و صحیح در جامعه، عشق به انسان‌ها و دوست داشتن است و آدمیان روابط خود را با این فرض، توسعه می‌دهند که باید نسبت به یکدیگر محبت کرد و این از آموزه‌های دینی و سفارش‌های پیشوایان دین نیز می‌باشد؛ چنان‌که پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) می‌فرماید:

«حُبُّ لَأَخِيكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَكَ مَا تُكْرَهُ لَهَا»؛ و این که اساس دینداری محبت است که به تعبیر امام صادق(ع): «هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ بنابراین:

— از آن‌جا که رفتار و مناسبات بین فردی در اجتماع در برگیرنده دو مقوله رفتاری «اخلاق عملی» و «تربیت برمدار اخلاق» است،

۱. دوست داشته باش برای برادرت آنچه را که برای خودت دوست داری و بد شمار برای او آنچه را برای خود بد می‌شماری (غررالفصاحه، ج ۳۱، ص ۵۸).

۲. آیا دین جز دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست. خدای متعال فرمود: بگو اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد (غررالفصاحه، ص ۶۹۴، ج ۵۹۱۲) و نیز: (بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۹۵)

— از آنجا که در توصیف اخلاق باید به مباحثی همچون فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی، تعاملات بین فردی، شیوه‌های تربیتی و قابلیت تغییر در رفتار اهتمام شود؛

— از آنجا که موضوع روابط بین فردی می‌تواند به تأثیرگذاری بر مناسبات اجتماعی منتهی شود و کسانی که برحسب موقعیت و منزلت اشخاص با آنها تعامل می‌کنند دارای زندگی بهتری هستند؛

— از آنجا که همه موجودات زنده به برقراری رابطه، نیاز حیاتی دارند و این رابطه به متأثیر و تأثر، یا «داد و ستد» و یا «تعامل» منتهی می‌شود؛^۱

— از آنجا که روابط و مناسبات اجتماعی دربرگیرنده مشارکت و معاضدت اجتماعی، تفاهم و تعامل و همگرایی فکری و عملی و همکاری مشترک و مساعدت دیگران است؛

— از آنجا که در نگاه دینی — مشخصاً دین اسلام — اصل یکرکامت انسان است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره اسراء آیه ۷۰) و انسان جانشین خدا بر روی زمین است «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (سوره بقره، آیه ۳۰) و او تربیت‌کننده انسان است و از انسان می‌خواهد که با اختیار خود متخلق به اخلاق الهی شود: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»؛^۲

— از آنجا که تربیت یعنی کمک به پیدایش آسودگی در فرد، برای سازگاری با محیط طبیعی و اجتماعی؛

و نیز از آنجا که تربیت، به عمل یا فرایندی گفته می‌شود که رفتار فرد را تغییر دهد و به آن شکل‌های خاصی ببخشد تا او بتواند استعدادهایش را آشکار سازد و به کار اندازد،^۳ پرداختن به بحث روابط و مناسبات اجتماعی از دیدگاه قرآن در جهت بهره‌گیری از کلام وحی برای بهینه‌سازی رفتار انسان‌ها که مخلوق او هستند

۲. بحارالانوار، جلد ۵۸، ص ۱۲۹.

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ص ۷۹.

۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ص ۳۷۳.

ضروری است تا هم شخصیت شهروندان بر پایه آموزه‌های قرآنی شکل گیرد و هم نشان داده شود که آموزه‌های وحیانی، توانایی ساختن فرد و جامعه سالم را دارند. عنایت خداوند به بندگان بدانسان است که بتوانند به‌عنوان جانشین او بر روی زمین، رفتاری را بروز دهند که در اثر آن تأثیرگذاری مناسب و مثبت داشته باشند؛ از این‌رو، در این نوشتار، بازخوانی دستورالعمل‌های قرآنی درخصوص نحوه سلوک با دیگران مورد نظر است، و اگر از کنار فلسفه اخلاق و بیان نظریات علمای علم اخلاق و تبیین فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی گذشته و صرفاً به بررسی روش‌های اخلاقی در قرآن پرداخته شده، با این فرض است که در این مبحث، مجالی نیست برای بررسی نظریات و سیر تکاملی دیدگاه‌های مربوط به اخلاق در میان علمای شرق و غرب، و فرض دوم آن است که قرآن به‌عنوان راهنمای عمل برای متخلق شدن به اخلاق حسنه و پرهیز از اخلاق رذیله کفایت می‌کند و کافی است عامل به این دستورات، نگاه خود را به انسان و زندگی و جامعه براساس اصل کرامت انسانی و این‌که انسان در جهان آفرینش به‌عنوان موجودی که قابلیت و ظرفیت رشد و تعالی را بیش از هر موجود دیگری دارد و تربیت‌پذیر است، معطوف کند. براین اساس، این نظریه روان‌شناسان که رفتار آدمی را تابعی از محیط و یادگیری می‌دانند و این‌که رفتار انسان‌ها راده محیطی است که در آن رشد و تربیت یافته‌اند، موضوعیت پیدا می‌کند. این مسأله تا حدودی در دیدگاه دینی هم مطرح است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، إِلَّا أَنْ أَبَوَاهُ يَهُودَانَهُ وَ يَنْصَرَانَهُ وَ يَمَجْسَانَهُ»^۱

اگرچه در همان حال، قرآن از نهاد و سرشت آدمی سخن می‌گوید و این‌که هرکس بر مبنای سرشت خویش عمل می‌کند: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^۲ بنابراین،

۱. پیامبر اسلام (ص) فرمود: همه موجودات بر یک فطرت [خداپرستی] آفریده شده‌اند و این والدین هستند که آن‌ها را یهودی، نصرانی و یا مجوس تربیت می‌کنند (بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸).
 ۲. بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد (سوره اسراء، آیه ۸۴).

آموزه‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری رفتار انسان‌ها دارند و قرآن به‌عنوان کتاب زندگی، برای تمام مناسبات بین‌فردی، راهنمایی روشن است؛ همچنان‌که شفا دهند و آرامش‌بخش قلب و دل آدمی است. هرکس این امکان را بیابد که از قرآن بهره گیرد، مسلماً روزنه‌های نور و روشنایی فراوی زندگی او قرار می‌گیرد. آن‌هایی که با قرآن مانوسند و در زندگی از آن الهام می‌گیرند به فراخور ظرفیت وجودی‌شان، رازهای آفرینش بر آن‌ها کشف و معارف و حقایق از جهان بر آن‌ها آشکار می‌شود. نوشتاری که اکنون پیش رو دارید، تلاشی است به اندازه ظرفیت و توان نویسنده، اگر چه بضاعتش بسیار اندک است، اما امیدش به اثربخشی آن ناچیز نیست.

سپاس از حضرت دوست که توفیق بهره‌گیری از کلام وحی را عطا کرد و این بنده به بررسی مقصد و هدف و محتوای پیام او پرداخته و آن را در قالب راه‌های برقراری روابط بین فردی در اجتماع تنظیم نموده است. در این اثر به بررسی آیاتی از قرآن پرداخته شده که به نحوی دستورالعمل روابط بین فردی در جامعه را ترسیم می‌کنند. روش کار در این نوشتار، چنین است که نخست آیات مربوط به موضوع تحقیق از قرآن استخراج شده و پس از دسته‌بندی به موضوعات مختلف، از خلال تفاسیر و روایات، به بررسی آن‌ها پرداخته شده است و در پایان هر بحث، نتیجه‌گیری صورت پذیرفته است. همه این مباحث در یک پیشگفتار و یک مقدمه و سه فصل تنظیم گردیده است.

در فصل اول، به بررسی مبانی فکری بحث پرداخته شده و این‌که اوامر و نواهی، در تنظیم مناسبات بین فردی براساس چه نگرشی شکل گرفته است. در این زمینه، سه محور اصلی در نظر می‌باشد که مهم‌ترین آن توحیدمحوری است؛ یعنی باید بپذیریم خالق جهان، همه انسان‌ها را آزاد آفریده و کسی نباید برای خود و یا دیگری شأنی فراتر قائل شود و خود را موجودی برتر بداند. در همین رابطه، انسان مبنای بحث قرار می‌گیرد و در ادامه، موضوع روابط بین فردی به این باور

مربوط می‌شود که در جهان آفرینش، انسان، مورد تأکید است و بقیه موجودات در خدمت انسان هستند؛ اما این انسان زمانی موجود برتر به حساب می‌آید که برخوردار از آگاهی و دانش باشد.

در فصل دوم نیز به بررسی اصول «کلامی» (گفتاری) بین فردی از وجه سلبی و ایجابی پرداخته شده است؛ به این ترتیب که برخی از شیوه‌ها و روش‌های تنظیم‌کننده روابط بین فردی که در قالب روش کلامی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و برای آن‌ها دستورالعمل‌هایی صادر شده و به آن‌ها عناوینی داده شده است؛ سپس با استفاده از تفاسیر قرآن و نیز کتب لغت، معانی واژه‌های مربوطه استخراج و به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

همین روش در فصل سوم نیز مورد توجه قرار گرفته، با این تفاوت که فقط در حوزه عمل و روش‌های عملی که می‌تواند به تنظیم روابط و مناسبات بین فردی پردازد، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پایان هر فصل از کلیه مباحث نتیجه‌گیری شده است. نکته مورد تأکید این است که آیات استخراج شده، شامل همه دستورات اخلاقی نیست، بلکه دستوراتی را شامل می‌شود که به روابط بین فردی در اجتماع منتهی می‌گردد؛ ضمن آن‌که هر یک از این دستورات در چندین آیه و با تعبیر مختلف بیان شده است که در این تحقیق فقط به اصل دستورالعمل توجه شده، نه همه آیات دربرگیرنده بحث.

در پایان جا دارد از همکاری همه کسانی که در این مسیر یاری رسان این‌جانب بوده‌اند؛ به‌ویژه سرکار خانم پروانه رشته‌احمدی و نیز سرکار خانم فاطمه موسوی سپاسگزاری کنم.